

زن و کلیشه های جنسیتی ضد زن در سیستم ایران



(کیوان) آکو رحیمی

اگر کمی به قبل تا دوران کودکی، نوجوانی و در کل دوران تحصیلات مدرسه، برگردیم و نگاه کوتاهی به اولین کلاسهای آموزشی دوران دبستان در ایران بیندازیم، اولین جم-لانی که در ذهن مان نقش بسته و حک شده «بابا ... نان ... داد»، «بابا ... آب ... داد» و «آن ... مرد ... سوار ... براسب ... درباران ... آمد» و ...، از جمله آموزشهایی بود که باورهای کاذب را در افکار یک نسل، به جای گذاشته است. بدین معنی که در اولین آموخته های دوران کودکی مان این تبعیض جنسیتی، نقش پدر (یا همان منبع مادی و نان آور) و مادر (یا همان سنبل عاطفه و مهربانی) در خانواده و در مقیاس بالاتر، زن و مرد در جامعه را می توان لمس کرد. البته شاید در طول این سالها تغییرات و بازنگریهایی بر این کتابها شده، اما کلیشه های جنسیتی، همچنان در آثار باقی مانده از گذشته، نمایان است. این کلیشه ها در همان اوایل کودکی نقش زن و مرد را ابتدا در خانواده و بعضاً در اجتماع به حافظه زود آموز کودک تزریق می کند و بر اساس احکام شرعی و کلام خدا (دینی و ضمیمه و قرآن که سرنوشت ساز ترین درسهای نه فقط دوران دبستان بلکه کل دوران تحصیل در ایران، به حساب می آید) که همان هنجار جامعه است و سرپیچی از آن به معنای رودرویی با مقدسات تلقی می شود، موانع مهیب و هولناکی کودک را در یک دنیای ناپیدا که هر تفکر و عملی باید در راستای تخیلات واهی و کاذب این شریعت باشد، احاطه می کند. مقدساتی که فرد را به چالش می گیرد و امر به زندگی گله وار می کند. کودک یا دختر و پسر در همان آغازین روزهای یادگیری در مدرسه، هر کدام بر اساس جنسیتی که دارند، اتوماتیک وار در جایگاه بی انصافانه خود در اجتماع (که البته زنان ضرر بیشتری می برند) قرار می گیرند و آموخته ها، در قالب زدن به نقشهای جنسیتی، که زن و مرد متفاوت و نابرابرند، را متأسفانه به آسانی نمی شود از یاد برد.

مدرسه و محیطهای آموزشی نه جدا و منفرد از جامعه نیست، بلکه در همه ادوار زمانی عامل انتقال ارزشها و قواعد اجتماعی دوران و جامعه، به کودک بوده و هست. قوانین و کتابهای تبعیض آموز و تبعیض آمیز دوره های آموزش در مدارس، نه تنها در متون بلکه در نقشهای پسرانه دخترانه یا مردانه زنانه الگوه ای تصویری هم به چشم می خورد، بدین معنی که نقشهای دختران و زنان تنوع کمتری و محدودیت بیشتری، و برای الگو پذیری امکان محدودتری دارند و در مثلها و موضوعات، گزینش آموزشی در خدمت امتیاز بیشتر به پسرها و مردان است.

آموزش و پرورش و در کل مدارس، کودک را از سنین طفولیت در اختیار دارد و در تمام سالهایی که از هر مقطع سنی آسیب پذیرتر است هم از سوی سیستم دولتی و ایدئولوژیک مدرسه و هم در چهارچوب سنتی اکثر خانواده های ایرانی، به او در کودکی و در ادامه، نوجوانی و جوانی، فشار وارد می کنند. می بینیم که اکثراً دختران و زنان ایرانی زمانی که از سلطه فکری این نهاد (آموزش و پرورش) در می آیند و وارد روابط اجتماعی و کاری میشوند،

همیشه سعی دارند ببه اعتراض از سنت‌های تبعیض‌گرای جامعه، در مقابل سیستم حاکم و حتی خانواده بایستند و مطالبه حقوق برابر کنند، و می‌بینیم که در این اعتراضها نه از زندان و آزار و اذیت بلکه از دادن جان و زندگی هم هراسی ندارند. خوشبختانه به طور وسیعی حتی در مدارس و دانشگاهها صدای رسای آنان را روزانه می‌شنویم.

تاریخچه کوتاهی از 8 مارس

در هشتمین روز ماه مارس سال 1857 زنان کارگر کارخانجات نخ ریسی شهر شیکاگو در اعتراض به شرایط نامناسب و غیرانسانی کار به خیابان‌ها ریختند. خواسته‌های آنها روزی 10 ساعت کار، دستمزدهای عادلانه‌تر و حق رأی برای زنان بود، پلیس با حمله‌ی وحشیانه به صفوف معترضین بسیاری را زخمی کرد و گویا این تظاهرات چندین کشته نیز برجای گذاشت. اکنون نیم قرن از این جریان گذشت و در سال 1908 حزب سوسیالیست آمریکا طی بیانیه‌ای اعلام کرد که در دو سال یک روز به اعتراضات زنان برای کسب حق رأی اختصاص یابد و در 8 مارس همان سال زنان (عمدتاً کارگر آمریکایی به یاد 8 مارس 1857 به راهپیمایی در خیابان‌ها پرداختند که این بار نیز زنان معترض با پلیس مسلح مواجه شدند، زنان کارگر آمریکا سال 1909 تا 1913 هر سال آخرین یکشنبه فوریه را به اعتراض برای به دست آوردن حق رأی و شرایط کاری مناسب‌تر دست زدند.

در سال 1910 کسی که در مبارزات زنان در آمریکا نقش مؤثری داشت خانم لئویس زینتز نماینده حزب سوسیالیست آمریکا در کنفرانسی که در کپنهاگ دانمارک برگزار می‌شد و در آن 100 زن مبارز از 17 کشور حضور داشتند پیشنهاد اینکه یک روز در سال به عنوان روز جهانی زن (با محوریت موضوع حق رأی) نامیده شود و زنان سراسر جهان در آن روز به راهپیمایی و تظاهرات پردازند، را مطرح ساخت، که کار را زتکسیهن عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان این جریان را پیگیری نمود.

این پیشنهاد در سال 1911 در کنفره دوم زنان سوسیالیست پذیرفته شد، البته روز خاصی برای این امر در نظر گرفته نشد. در سال 1911 در روز 19 مارس، اولین روز جهانی آزادی زنان در آلمان، اتریش، دانمارک و سوئیس برگزار شد. چرا که در 19 مارس 1848 پادشاه پروس در پی بحران آن سال و تحت فشار بودن وی، مجبور شده بود قول حق رأی را به زنان بدهد که البته با سپری شدن بحران طبیعتاً عملی نشد!

خواسته‌های معترضان در تظاهرات 19 مارس سال 1911 که کمابیش در تمام کشورها مراسم برگزار کردند حول محور کسب حق رأی، تحصیلات و آموزش برابر، از میان برداشته شدن تبعیض شغلی، وجود دستمزدهای برابر و... بود. جلسات و تظاهرات در همه این کشورها به طوری که، در اتریش حتی در بسیاری از روستاها نیز برگزار شد، در اتریش تظاهرات عظیمی با شرکت 30000 نفر برگزار کردند، حتی به درگیری بلپلیس نیز انجامید و تنها با دخالت نمایندگان سوسیالیست پارلمان بود که از خون‌ریزی جلوگیری شد. اولین روز آزادی زنان در روسیه در سال 1913 و روز 8 مارس به تقویم اروپایی که معادل 23 فوریه به تقویم روسیه (تقویم ژولینوسی) برگزار شد، که حزب برشویک به تبلیغات گسترده‌ای برای برگزاری این مراسم

دست زده بود، در سال 1914 زنان برشویک مجله‌ای تحت عنوان «زن کارگر» را منتشر نمودند، که تمامی اعضای هیأت تحریریه آن قبل از روز جهانی آزادی زنان همگی به غیر از یک نفر دستگیر شدند در سال‌های بعدی اولین جنگ جهانی یعنی سال‌های 1915 و 1916 علی‌رغم تلاش‌های زنان کارگر بسیاری از کشورها از جمله روسیه مراسمی برگزار نشد در سال 1915 روز جهانی آزادی زن تنها در نروژ برگزار شد.

اما روز جهانی آزادی زنان سرانجام هنگامی رسماً به تاریخ پیوست که در سال 1917 (سال انقلاب فوریه روسیه) هنگامی که 2 میلیون سرباز روس در خلال جنگ، جان باخته بودند و گرسنگی و کمبود سوخت همگان را به ستوه آورده بود، زنان عمدتاً کارگر، که همگی از طبقات محروم جامعه بودند، در تاریخ 22 فوریه (به تقویم ژولیوسی که م‌عادل 8 مارس تقویم گویگوری می‌باشد) به دعوت کمیته پیشرو گرای حزب برشویک به خیابان‌ها ریختند و در واقع اولین روز انقلاب فوریه نیز مصادف با 8 مارس بود. کارگران نیز با اعتصاب از زنان مبارز حمایت نمودند و اعتصاب سیاسی به تظاهرات سیاسی گسترده‌ای علیه رژیم تزاری تبدیل شد که به سرنگونی آن انجامید و جرعه آن با تظاهرات زنان (از آن پس) در روز جهانی آزادی زنان زده شده بود. روز 8 مارس تا سال‌های بسیار، تنها در تقویم کشورهای سوسیالیستی به رسمیت شناخته شده بود اما با ظهور موج دوم فمینیسم در کشورهای اروپایی و آمریکایی نیز این روز به رسمیت شناخته شد. و در سال 1977 سازمان ملل متحد 8 مارس را رسماً روز جهانی زن نام گذاری کرد.

اعتراضهای زنان در ایران و پیامدهای آن

اوج ظهور اعتراضها و جنبش رادی‌کال زنان، سال‌های 79-1378 بود که مراسمهای 8 مارس را به خیابانها کشانده و بدون داشتن مجوز، فریاد و خواسته های خود را به تجمع در پارکها، خیابانها و سالنها، علنی کردند. بدون اینکه از هیچ مانعی هراسی داشته باشند، ثابت کردند که می‌شود تجمع‌های اعتراضی را به رژیم تحمیل کرد. (البته که در این راه مردان هم دوش به دوش زنان، همراه و هم صدا بوده و هستند).

شعارهای متداول "آزادی و برابری"، "زن‌نده بباد سوسیالیسم"، "دانشگاه پادگان نیست" و ... از شعارهای خطرناکی بودند که سر را به باد می‌داد، ولی مگر کسی فکر جان بود؟

در طول این سالها تشکلهای بسیاری ایجاد شد، تجمع‌های مداوم و مکرر برگزار کردند. پس از هر کدام از این تجمع‌ها، بسیاری اعدام شدند یا به زندان رفتند. آزاد شدند و دوباره ادامه دادند، و این جنبش، هرگز بی صدا نشد و چه بسا که بر دوام و رشد آن افزوده شد. پیوسته ران و معلمین و صنف‌ها و گروه‌های مختلف با راه انداختن اعتصاب و تظاهرات بر این رژیم فشار آوردند. همین فضاها اعتراضی از یک سو، اذهان جهانی را آگاه از اوضاع داخلی در ایران کرد و از سوی دیگر باعث پیشروی‌های مثبت در جامعه ایران و عقب نشینی‌های زیادی به رژیم شد.

در ایران و قانون اساسی ایران، زن فرد مستقلی نیست بلکه او متعلق به مرد و ملک مرد بوده و با اجازه مرد است که حق زندگی، کار و یا انتخاب شغل و معاشرت را دارد. این ضد زن بودن قوانین اسلامی و عدم برخورداری از خواسته‌های به حق زن در ایران، دیگر بر کسی

پوشیده نیست. نفس حقوق زن در ایران زیر سؤال است و سی سال است نقض میشود. قانون اساسی اسلامی حاضر، حاصل یک مشت آیه های فسیل شده 1400 سال قبل است که سی سال است زنان را چندین برابر در مقایسه با بیشتر ملت های دیگر به جنس پست تر و حقیر تر متنزل کرده است. آزادسازی زنان از سلطه ی مردانه، از اولیت های یک جامعه است که متأسفانه به سبب اسلام 100% سیاسی سیستم حاکم در ایران، به هیچ وجه در افکار عصر حجری آنان جای نمی گیرد.

زنان باید آزاد باشند تا بتوانند کار کنند انتخاب کنند و زندگی شان را خودشان بسازند، نه اینکه محبوس کار خانگی باشند و یا در مشاغل آزاد ملی دولتی، همیشه م هر زن بودن بر پیشانی شان نمایان و سد و مانع او در پیشرفت و دخالت در تصمیم گیری های شخصی خودش باشد. زنان حق دارند از آموزش بدون محدودیت برخوردار شوند و در حیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه نقش آفرین باشند به هر صورتی که خود برمی گزینند. امروزه این نکات در کشورهای پیشرفته به طور گسترده ای پذیرفته شده است اما در بیشتر کشورهای اسلامی این حقوق نفی می شود و این فرهنگ، بیشتر جوامع مسلمان است که باید ریشه کن شود. احقاق حقوق زنان البته مستلزم آن است که آزاد باشد تا با هر کس که می خواهد زندگی مشترکی داشته باشد. زنان باید از همان آزادی و مسئولیت هایی برخوردار شوند که مردان برخوردارند.

باید حقوق پایمال شده زن به عنوان یک انسان به او باز گرداننده شود. قبل از این که زن خود بخواهد حقوقش را از جامعه بگیرد. بدین معنی که جامعه مردان هم باید در این بازسازی فرهنگی و تلاش در سرعت بخشیدن به آن، دوشها دوش زنان، موانع و سد های مذهبی و سنتی را برداشته و یا به حداقل برسانند.

مظلومیت زن در جامعه ایران بر همه آشکار است و هیچ کس نمی تواند منکر آن شود. اما باید از ادامه این روند با زیرکی جلوگیری کرد. باید حقوق و جایگاه انسانی زن، به او بازگردد و این افکار منفی بیشتر از این مانع رشد تفکر آزادی زن نشود. همانطور که امروزه همه به شعار آزادی مرد و حقوق مرد می خندند. باید طوری به جایگاه واقعی زن اندیشید که او هرگز اسارتی حس نکند تا در پی آزادی باشد، حقارتی حس نکند تا در پی برابری باشد.

.....
پای احساس مرا باز کنید
لحظه ای از نفس آزاد کنید

بگذارید که پرواز کنم
نفسی گیرم و آغاز کنم

آسمان بینم و یک اوج بلند
بزنم بال و شوم قدرتمند

باغ احساس مرا آب دهید
دسته ای از گل گلاب دهید

تا به کی رنج نهان غصه و غم
وحشت و حسرت و بیزارای و غم

کنج آونک و یک مشت دروغ
بیخبر از در و دنیای شلوغ

کور و کر جاهل و نادان باشم
باعث رونق کاشانه مردان باشم

علم و تحصیل مرا چون ننگی
کار و دانش به سرم چون سنگی

حق آزادی و کوشش ممنوع
گلشن تازه و رویش ممنوع

تا به کی روح مرا می پالید
تا به کی جسم مرا میخواستید

تا به کی صحبت نادانی من
قصه دین و کم ایمانی من

بگذارید کمی شاد شوم
نالاه انی بودم و فریاد شوم

در گلستان ادب بار دهم
دست یاری به تو ای یار دهم

گوش کن ای پسر من ، پاره تن
یا تو ای محرم من همسر من

میشود مقصد و مقصود مرا
گر تو همراه شوی زود مرا

روز و شب جهد کنم بهر وطن
تا کشم روی به دامان کفن

گر تو خواهی وطنت آبادان
زنده گردد گل تو در گلدان

پای احساس مرا باز کنید
لحظه ای از قفس آزاد کنید
منبع شعر: وبلاگ فریادی در سکوت

8 مارس، روز جهانی زن بر همهٔ زنان دنیا مبارک باد

نویسندهٔ مطلب : آکو رحیمی (کیوان)

06.03.2010

Weblog : www.komalam.blogfa.com

Email : mr_akoo@yahoo.com

